

بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران

مهدی فدایی*، فرید قلی‌پور مقدم**، سعید غفاری***

چکیده

هیچ منطقه یا کشوری در جهان مصون از خسارت فساد نیست. فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر، توسعه انسانی و برآورد سلامت و به‌طور کلی کیفیت حکومت اثرات منفی دارد و موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران با استفاده از گشتاوردهای تعمیم‌یافته (GMM) طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ است. برای این منظور از آمار و اطلاعات شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب و شاخص اندازه دولت و فساد که توسط «سازمان شاخص‌های حاکمیت جهانی»، «سازمان شفافیت بین‌الملل» و «بانک جهانی» ارائه می‌شود، استفاده شده است. در ارتباط با کانال‌های اثرگذاری مشخص شد که شاخص کیفیت قوانین با ضریب ۲/۴ بیشترین تأثیر را بر کاهش فساد داشته و شاخص اثربخشی دولت با ضریب ۰/۱، دارای کمترین تأثیر است؛ همچنین افزایش شاخص‌های اندازه دولت و تورم به افزایش میزان فساد منجر خواهد شد. افزایش شهرنشینی نیز نوعی پرسشگری ایجاد می‌کند و نظارت را افزایش می‌دهد که در نهایت به کاهش فساد منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ حکمرانی خوب؛ اندازه دولت؛ کشورهای گروه بریکس.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۰۷، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۰۵.

* استادیار، دانشگاه پیام نور، اصفهان.

** دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان (نویسنده مسئول).

Email: gholipourfarid57@gmail.com

*** استادیار، دانشگاه پیام نور، قم.

۱. مقدمه

هیچ منطقه یا کشوری در جهان مصون از خسارت فساد نیست. در اندازه‌گیری فساد کشورها توسط «سازمان شفافیت بین‌المللی»^۱ در سال ۲۰۱۶، بیشتر کشورها (بیش از دو سوم کشورها از میان ۱۷۶ کشور) دارای نمره کمتر از پنج در مقیاس صفر (بسیار فاسد) تا ده (بسیار سالم) هستند. میانگین نمره جهانی عدد ۴۳ است که نشان‌دهنده فساد بومی در بخش دولتی کشور است (سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۶). اندازه‌گیری «سازمان شفافیت بین‌المللی»، نشان‌دهنده ناکامی عمومی است؛ زیرا فساد بر کیفیت حکومت، اعتماد تعمیم‌یافته، حمایت عمومی، رشد اقتصادی، رضایت و درنهایت بر ثبات بیشتر دموکراسی تأثیرگذار است. با وجود این واقعیت‌ها، مبانی نظری کمی در این زمینه موجود است (bauhr and Oscarsson, 2001). فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر، توسعه انسانی و برآورد سلامت و به‌طورکلی کیفیت حکومت اثرات منفی دارد و از طریق تضعیف زیرساخت‌های عمومی و خدمات اجتماعی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می‌شود. درک فساد بر اعتماد به نهادهای سیاسی، اثر منفی دارد؛ درحالی‌که تجربه فساد، اعتماد عمومی به نهادهای ملی را کاهش می‌دهد. فساد فقدان اعتماد را تقویت می‌کند و فقدان اعتماد، تلاش حکومت در بسیج جامعه در مبارزه با فساد را بی‌اثر کرده و وعده مبارزه با فساد دولت به مردم را بی‌اعتبار می‌سازد. علیت قوی متقابلی بین ادراک فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد (Morris & Klesner, 2010). یکی از متغیرهایی که می‌تواند پیوندی دورویه با سطح فساد داشته باشد، اندازه دولت است. بزرگ‌بودن اندازه دولت، فرصت رانت‌جویی و فساد را افزایش می‌دهد (صادقی و سجودی، ۱۳۹۰). فساد اداری که نقطه مقابل آن سلامت اداری است، معضل بزرگی در سازمان‌های دولتی بسیاری از کشورهای جهان به‌شمار می‌آید که البته مختص کشورهای درحال توسعه نیست. حتی در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته نیز مواردی از فساد اداری و فقدان سلامت اداری مشاهده می‌شود که هرازچندگاه در رسانه‌های آن‌ها انعکاس می‌یابد؛ اما در کشورهای درحال توسعه، دولت‌ها مسئولیت‌ها و وظایف گسترده‌ای بر عهده دارند و دامنه فعالیت‌های دولت به‌مراتب گسترده‌تر از کشورهای صنعتی است و به تعبیر امروزی، حجم دولت بسیار زیاد است. این امر همراه با تفاوت‌های موجود در نظام سیاسی، دو دلیل اصلی رواج بیشتر فساد اداری و فاصله‌گرفتن از سلامت اداری در کشورهای رو به رشد است. صرف‌نظر از تعریف و ویژگی‌های فساد در نظام اداری، در عوامل شکل‌دهنده فساد، عمدتاً به عوامل اقتصادی، سیاسی و بوروکراتیک اشاره شده است که البته عوامل بوروکراتیک بسیار برجسته هستند (قلی‌پور، ۱۳۸۴). ساختار اداری ناکارآمد، بوروکراسی منفی، نظام مدیریت غیرمؤثر، فقدان نظام

1. Transparency International

شایسته‌سالاری، نبود ارتباط بین عملکرد و بهره‌مندی از نظام و غیره، همگی در تدارک بستر آماده برای فساد اداری دخیل هستند (زاهدی، ۱۳۷۹). در این رابطه راه‌حل‌های متفاوتی ارائه شده است که عموماً به اصلاح نقش دولت و کار ویژه آن و اصلاح ساختار اداری معطوف است. سیاست‌زدایی نظام اداری، مقررات‌زدایی، کوچک‌سازی، بهینه‌سازی و مهندسی مجدد نظام سازمانی و ساختار آن از جمله راه‌حل‌های ارائه‌شده است (قلی‌پور، ۱۳۸۴). راه‌حل ارائه شده به‌عنوان الگو برای کنترل و اداره فساد، الگوی حکمرانی یا حکومت‌داری خوب است. این الگو نقش دولت را تعریف کرده و مشخصات دولت اثربخش و چگونگی تعامل آن با سایر بخش‌های جامعه را تبیین می‌کند و به معرفی نظامی منجر می‌شود که کاهش فساد اداری و ارتقای سلامت سازمانی را به دنبال خواهد داشت. حکمرانی خوب الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه توسط کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شد و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌منظور استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی در سیاست‌های مربوط به اعطای کمک‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. حکمرانی خوب شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به‌واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال کرده، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند (UNSCUP, 2002). موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود (معینی‌فرد و کریم‌نیا، ۱۳۹۴). در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲).

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

آیا حکمرانی خوب می‌تواند بر سطح فساد در کشورهای منتخب مؤثر باشد؟

کدام یک از شاخص‌های حکمرانی خوب بیشترین تأثیر را در این دسته بر سطح فساد در این کشورها داشته است؟

آیا اندازه دولت می‌تواند بر سطح فساد در کشورهای منتخب مؤثر باشد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فساد. فساد، سوءاستفاده از قدرت عمومی برای سود شخصی است و اغلب به‌عنوان یک پدیده منفی مطرح می‌شود (Varen, 2004) که می‌تواند تأثیر پیچیده‌ای بر اقتصاد داشته باشد (Mendez & Sepulveda, 2006). «فرهنگ وبستر»، فساد را پاداش نامشروع برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه، می‌داند. در تعریفی دیگر، فساد به‌عنوان نادرستی و تقلب و

فقدان درستی و راستی تعریف شده است (زاهدی، ۱۳۷۹). نای^۱ (۱۹۶۷)، فساد را رفتاری می‌داند که به دلیل جاه‌طلبی شخصی، معرف انحراف از شیوه عادی انجام‌وظیفه باشد و به صورت تخلف از قوانین و مقررات و انجام‌دادن اعمالی از قبیل رشوه، پارتی‌بازی و اختلاس تجلی یابد (Nye, 1967). بر مبنای افکار عمومی جامعه، اقدامی مصداق فساد را می‌یابد که از دید مردم یک جامعه غیراخلاقی و مضر باشد. در این راستا فساد به سه گروه فساد اداری سیاه، فساد اداری خاکستری و فساد اداری سفید تقسیم می‌شود؛ گروه نخست، کاری است که از نظر توده‌ها و نخبگان سیاسی منفور است و باید تنبیه شود؛ گروه دوم کاری است که از نظر بیشتر نخبگان منفور است؛ اما توده‌های مردم در مورد آن بی‌تفاوت هستند و گروه سوم کاری که در ظاهر مخالف قانون است؛ اما بیشتر جامعه نخبگان سیاسی و بیشتر مردم عادی آن را آنقدر مضر و بااهمیت نمی‌دانند که خواستار تنبیه عامل آن باشند (حبیبی، ۱۳۷۵). آتشک و همکاران (۱۳۹۰)، اشکال گوناگون فساد را دسته‌بندی کرده‌اند. بر اساس این دسته‌بندی، فساد در اشکال اختلاس، رشوه، تخلف، اخاذی و پارتی‌بازی بروز و ظهور می‌یابد. آن‌ها اختلاس را دزدیدن منابع دولتی توسط مسئولان، رشوه را پرداخت نقدی یا غیرنقدی که در رابطه فاسدانه به فردی داده یا از وی اخذ می‌شود، تخلف را جرم اقتصادی، شامل نوعی حقه و نیرنگ‌بازی، کلاهبرداری و یا فریبکاری و اخاذی را گرفتن پول و منابع دیگر از فردی (علی‌رغم میل باطنی او) با استفاده از اعمال فشار، خشونت و یا تهدید به استفاده از قدرت، تعریف می‌کنند (آتشک و همکاران، ۱۳۹۰). گروهی دیگر فساد را به دو دسته فساد سیاسی کلان و فساد بوروکراتیک یا اداری تقسیم می‌کنند. از نظر آن‌ها فساد بوروکراتیک همان فساد مالی در سطح پایین یا فساد خیابانی است که هر روزه توسط مدیران و کارمندان سر می‌زند و فساد سیاسی کلان در بالاترین رده‌های سیستم سیاسی رخ می‌دهد و منظور از آن رفتار بلندپایه‌گانی است که مسند و مقام خود را برای به‌دست‌آوردن سودهای کلان به کار می‌گیرند (منصورنژاد، ۱۳۸۴، UNDP، ۲۰۰۸ و ماشاعلی، ۲۰۱۲). درنهایت بر اساس نقش وابستگی‌های اجتماعی و خانوادگی در تصمیم‌گیری‌های کارکنان، فساد به این معنا است که یک کارمند و مسئول دولتی در تصمیم‌گیری‌های اداری خود، منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و وابستگی‌های اجتماعی خود را ملاک عمل قرار دهد و از این مسیر مرتکب فساد شود (Tanzi, 1998).

در ادامه برخی از جنبه‌های فساد که توسط پژوهشگران مشخص شده‌اند، آورده شده است:

- رشوه‌خواری و فساد در تدارکات عمومی هزینه‌های دولت را ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش می‌دهد؛

1. J. S. Nye

- بخش بزرگی از هزینه‌ها در بخش دولتی شامل تعداد زیادی از معاملات با ارزش پایین است که این امر برای مقامات بالقوه فاسد دولتی در خرید عمومی راحت‌تر است. این مورد شامل تعداد کمی از مزایده‌های ارزشمند است؛

- سطح بالایی از اختیار مقامات دولتی و سیاستمداران در تأخیر برنامه‌های تدارکات دولتی به سایر بخش‌های هزینه عمومی؛

- آگاهی مدیران درباره پرداخت‌های غیرقانونی برای تأمین قراردادهای دولتی (Kuhn & Sherman, 2014).

بسیاری از صاحب‌نظران استدلال می‌کنند که تنظیم مقررات بازدارنده برای کنترل فساد، روشی مناسب برای کنترل فساد است؛ درحالی‌که این میزان (تنظیم مقررات) از حد قابل قبول آن کمتر است (Dutta and Sobel, 2016).

انواع فساد

فساد سیاسی. بنا به تعریف، فساد سیاسی عبارت است از: سوءاستفاده از قدرت سیاسی در جهت اهداف شخصی و نامشروع. اصولاً فساد سیاسی و قدرت همزاد یکدیگر هستند؛ یعنی تا زمانی که قدرت وجود نداشته باشد از فساد سیاسی هم خبری نخواهد بود (فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۸).

فساد قانونی. منظور از فساد قانونی، وضع قوانین تبعیض‌آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و طبقات موردلطف حکومت است. این نوع رفتار که در اصطلاح به آن «فساد قانونی» اطلاق می‌شود، باور عمومی مبنی بر اینکه فساد فقط شامل اعمالی می‌شود که مغایر با قانون است را رد می‌کند. برای مثال، قوانینی که بدون هیچ‌گونه توجیه اقتصادی و یا اجتماعی، انحصار خرید، فروش و یا تولید یک محصول را به یک نفر یا یک گروه از افراد اختصاص می‌دهند، نمونه‌هایی از این نوع فساد هستند (حبیبی، ۱۳۷۵).

فساد اداری. اسکات^۱ (۱۹۷۲) معتقد است فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد به دلیل تحقق منافع شخصی خود و دستیابی به سطح رفاه بیشتر و یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف نقشی دولتی عمل کند؛ به عبارتی دیگر فساد، ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است (فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۸).

1. scot

حکمرانی خوب. از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی Kubernan به معنای هدایت‌کردن یا اداره‌کردن برمی‌گردد و توسط «افلاطون» در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. این اصطلاح یونانی ریشه لغت Gubernane در لاتین قرون وسطی است که بر همان مفاهیم هدایت‌کردن، قانون‌گذاری یا راندن دلالت می‌کند (هداوند، ۱۳۸۴). بر این مبنا حکمرانی خوب شامل مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، کارایی و تساوی است که تأمین قانونی را ارتقا می‌دهد (عبدالطیف، ۲۰۰۳). از نظر قلی‌پور (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار است که بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی تأکید دارد تا به‌موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند. حکمرانی خوب، ویژگی برجسته حکومت‌های دموکراتیک است (سردارنیا، ۱۳۸۸). در واقع دموکراسی پیش‌نیازی برای حکمرانی خوب است. درحالی‌که حکمرانی خوب، دموکراسی را ارتقا می‌دهد، اما بدون دموکراسی دستیابی به حکمرانی خوب رؤیایی بیش نیست (Kigongo bukenya & kaddu, 2010). تمایز مشابهی بین دو بُعد حاکمیت خوب، یعنی عناصری که دسترسی (شهروندی) به اقتدار یک ملت را شامل می‌شود، مانند پاسخگویی دموکراتیک و عناصر مربوط به اجرای قدرت وجود دارد. پژوهش‌های تجربی در مورد حکومت‌داری خوب معمولاً سه بُعد سیاسی، اداری و قضایی را تشریح می‌کند، جایی که در وهله نخست به دسترسی به سطح اقتدار مربوط می‌شود و در وهله دوم استفاده از اختیارات را شامل می‌شود (Kwon & Kim, 2014؛ Kaufmann, Kraay & Mastruzzi, 2010). از اواخر دهه ۱۹۹۰، محافل بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی مانند «بانک جهانی»، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی «صندوق بین‌المللی پول»^۱، سیاستی به نام «حکمرانی خوب» را به‌عنوان کلید معمای توسعه مطرح کردند. «صندوق بین‌المللی پول» در سال ۱۹۹۶ اعلام کرد که رسیدن به حکمرانی خوب منوط به مبارزه با فساد، حاکمیت قانون، بهبود کارایی و پاسخگویی بخش دولتی است (صندوق بین‌المللی پول).

شاخص‌های حکمرانی خوب از دید «بانک جهانی». شاخص حکمرانی رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه نوع حکومت یک کشور، به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندانش تأثیر می‌گذارد (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۲).

سه تن از پژوهشگران «بانک جهانی»، دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدولوبتون^۱، یافته‌های مؤسسه‌های مختلف بین‌المللی همچون ای‌آی‌یو^۲ و آی‌سی‌آریو^۳، بنیاد هریتیج^۴ و خانه آزادی^۵ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با هم ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی با عنوان «شاخص‌های حکمرانی» معرفی کردند (بحرینی، ۲۰۰۴). این پژوهشگران کار خود را با این فرضیه آغاز کردند که «چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آن‌ها حاکمیت^۶ در یک کشور اعمال می‌شود در رشد و توسعه آن کشور مؤثرند». کافمن و همکاران^۷ (۲۰۱۰) این رسوم و نهادها را حکمرانی نامیدند و ابعاد مختلف آن را با معرفی شش شاخص جدید بررسی کردند. شاخص‌های موردنظر عبارت‌اند از: شاخص حق اظهارنظر^۸؛ شاخص ثبات سیاسی^۹؛ شاخص اثربخشی دولت^{۱۰}؛ شاخص کیفیت قوانین و مقررات^{۱۱}؛ شاخص حاکمیت قانون^{۱۲}؛ شاخص کنترل فساد^{۱۳}.

این موارد را «شاخص‌های جهانی حکمرانی» نامیده‌اند. نمره هر کشور در هر یک شاخص‌ها از ۲/۵+ تا ۲/۵- است. «کمیسون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل»، هشت شاخص عمده برای حکمرانی خوب معرفی کرده است: مشارکت، اجماع، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت، کارایی و اثربخشی، عدالت و مشمولیت، حکومت قانون. کمیسون خدمات عمومی، شاخص‌های اساسی حکمرانی خوب را اخلاق حرفه‌ای، کارایی و اثربخشی، توسعه مشارکتی، بی‌طرفی و انصاف، شفافیت و پاسخگویی و مدیریت منابع انسانی و توسعه معرفی کرده است (کلوت، ۲۰۰۵). باید در نظر داشت که مفهوم حکمرانی خوب در تعریف «بانک جهانی» در سال ۱۹۸۹ شامل همه موارد آزادسازی اقتصادی و ایجاد بازار عادلانه، شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی، لیبرالیسم سیاسی، به‌ویژه اصلاحات دموکراتیک، حاکمیت قانون و از بین بردن فساد، ترویج جامعه مدنی، تضمین حقوق بنیادی بشر، به‌ویژه احترام به حقوق سیاسی، مانند آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی از حبس‌های خودسرانه، اقتباس سیاست‌های طراحی شده برای حفاظت از منافع درازمدت جهانی، مانند آموزش و پرورش، بهداشت و محیط‌زیست است.

-
1. Daniel Kufmann, Aart Kraay & Pablo Zoido Lobaton
 2. Economist Intelligence Unit
 3. International Country Risk Group
 4. Heritage Foundation
 5. Freedom House
 6. Governance
 7. Kaufman and at all
 8. Voice and Accountability
 9. Political Stability
 10. Government Effectiveness
 11. Regulatory Quality
 12. Rule of Law
 13. Control of Corruption

پیدایش نظریه حکمرانی خوب. جایگاه دولت و بازار و نیز ارتباط بین این دو نهاد کلیدی، مقوله‌ای است که همواره ذهن اقتصاددانان و سیاست‌مداران را به خود معطوف ساخته است. این ارتباط از قرن گذشته تاکنون با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه بوده است. اگرچه در سه ربع آغازین قرن بیستم، به دنبال مشاهده مصادیق شکست بازار و همچنین ناتوانی اقتصاد سرمایه‌داری در تأمین رفاه اجتماعی، الگوی توسعه مبتنی بر دولت به‌عنوان خط‌مشی اصلی بیشتر اقتصادهای جهان حاکم شد و ایدئولوژی‌ها و نظام‌های دولت‌مدار به شیوه‌های مختلف از نظام‌های کمونیستی گرفته تا دولت‌های رفاه در دموکراسی‌های لیبرال، خودنمایی می‌کردند، اما آشکار شدن مصادیق شکست دولت، ربع پایانی این قرن را جولانگاه رویکرد نئولیبرالیسمی ساخت که میدان مبارزه را از رقیب سوسیالیست شکست‌خورده خویش تهی می‌دید. توسعه بازارمحور هدفی بود که در این برهه از زمان از طریق سیاست‌های تعدیل ساختاری دنبال می‌شد. تعدیل ساختاری بسته‌ای سیاستی بود که توسط نهادهای بین‌المللی و با هدف حرکت به سوی وضع طبیعی از طریق رهاسازی دست و پای اقتصاد از هر چه غیر نظام بازار است، به کشورهای درحال توسعه توصیه می‌شد که البته در بسیاری از این کشورها ناموفق بود. شاید مهم‌ترین دلیل شکست این سیاست‌ها را بتوان در ویژگی منحصر به فرد رویکرد نئوکلاسیک در دانش اقتصاد دانست که نگاه مدلی و ذره‌ای به عاملان اقتصادی دارد و به رابطه متقابل جامعه، تاریخ، فرهنگ ملل و شرایط اقلیمی با فلسفه اقتصاد بی‌توجه است. دولت موافق بازار، رویکرد جدیدی است که در اواسط دهه ۹۰ و پس از آزمون و شکست دو رویکرد توسعه دولت‌محور و توسعه بازارمحور، طرح شد. این اندیشه نوین ضمن انتقاد از دیدگاه‌های پیشین، نه تنها جایگاه دولت و بازار را در مقابل یکدیگر ندیده بلکه برای آن دو، نقش مکملی معرفی می‌کند که قادر است با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیطی مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به‌عنوان دست یاری‌دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم کند. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب با عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌شود. «حکمرانی خوب» شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، بدون محدود شدن مبادلات بازار است. این حکمرانی دربرگیرنده نظامی قانونی است که با بازار برای بهبود رقابت همکاری می‌کند. حکمرانی خوب همچنین به معنای نبود فساد است؛ زیرا فساد می‌تواند موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی حمایت‌کننده از بازار شود (حبیبی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین دستیابی به توسعه اقتصادی نه با دولت حداقل بلکه با اصلاح نهادهای دولتی میسر می‌شود.

تفاوت حکمرانی با حاکمیت. برای اداره عمومی دو پارادایم وجود دارد: در پارادایم نخست که «حکومت» نامیده می‌شود، حکومت مسئولیت تمام امور را بر عهده دارد و موظف است تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی و یا شهروندان فراهم کند. در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به‌شمار می‌روند؛ ضمن آنکه هر سه بخش یادشده در تعامل با یکدیگر قرار دارند به‌گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش‌ازحد یکی از آنها تعادل اجتماعی را بر هم خواهد زد؛ بنابراین ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش، امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد (ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۸۶).

اندازه دولت. اندازه دولت در اقتصاد عموماً با محاسبه نسبت کل مخارج دولت به تولید (هزینه) ناخالص داخلی که هر دو متغیر به قیمت‌های جاری هستند، سنجیده می‌شود. اندازه دولت به‌نوعی تبلور عینی، واقعی و عملی نقش و کارکرد دولت در اقتصاد است (گزارش بانک مرکزی، ۱۳۸۵). برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بزرگ‌بودن اندازه دولت، فساد را افزایش می‌دهد؛ درحالی‌که توزیع منابع از دولت مرکزی به سطوح دیگر از دولت ملی فساد را کاهش می‌دهد (لدرمن، ۲۰۰۵؛ آلسینا و آنجلتوس، ۲۰۰۴).

شاخص‌های سنجش اندازه دولت. این شاخص‌ها را می‌توان در ۲ گروه طبقه‌بندی کرد: شاخص اقتصادی: از دیدگاه اقتصادی نسبت هزینه‌های دولت به کل تولید ناخالص داخلی بیانگر اندازه دولت است. در متون نظری گاه به‌جای شاخص مذکور، نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص ملی سنجیده می‌شود.

شاخص مدیریتی: در شاخص‌های مدیریتی از دیدگاه نیروی انسانی به موضوع اندازه دولت نگریسته می‌شود؛ به این ترتیب نسبت کارکنان دولت به کل جمعیت کشور یا به کل شاغلان کشور، مبنای سنجش اندازه دولت قرار می‌گیرد (گزارش بانک مرکزی، ۱۳۸۵). بیشتر پژوهشگران از دو معیار دیگر نیز برای تعیین اندازه دولت استفاده می‌کنند: سهم خریدهای دولت (هزینه‌های دولت که از پرداخت‌های انتقالی مستثنی شده است) در تولید ناخالص داخلی و کل هزینه‌های سرانه دولت به تولید ناخالص داخلی (گزارش بانک مرکزی، ۱۳۸۵).

اندازه دولت و فساد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اندازه دولت بر میزان فساد تأثیر دارد؛ درحالی‌که توزیع منابع از دولت مرکزی به سطوح دیگر از دولت ملی فساد را کاهش می‌دهد

(Alesina & Anjeletos, 2005؛ Lederman, 2004)؛ به عبارتی با بزرگ‌شدن دولت، فساد افزایش می‌یابد. اگرچه برخی از پژوهشگران دریافته‌اند که دولت کوچک‌تر، برابر با فساد کمتر است، بیشتر مطالعات تجربی مخالف با نظریه منفی ارتباط بین اندازه دولت و سطح فساد است (Pelegriani & Gerlagh, 2008). تأثیر بالقوه عامل فساد بر اندازه دولت با شاخص اندازه‌گیری نسبت مصرف بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی، دوطرفه است. از یک طرف فساد می‌تواند مشوقی در جهت افزایش تخصیص ناکارآمد منابع دولتی به سمت مقامات فاسدی باشد که به دنبال به حداکثر رساندن توانمندی رانت‌خواری خود هستند (Montinola & Jackman, 2002)؛ زیرا در زمینه سرمایه‌گذاری عمومی، برخی از شواهد تجربی تأکید دارند که عامل فساد، حجم سرمایه‌گذاری عمومی را افزایش می‌دهد (تانزی و داودی، ۱۹۹۷؛ Haque & Kneller, 2008)؛ از طرف دیگر، مقامات فاسد می‌توانند در یک مسیر جایگزین و انحرافی با محدود کردن میزان هزینه‌های مصرف عمومی، رانت‌های خود را افزایش دهند. البوت (۱۹۹۷)، از جمله افرادی است که با اشاره به برخی شواهد تجربی در حمایت از این استدلال، عنوان می‌کند که با افزایش فساد، اندازه دولت کاهش می‌یابد.

حکمرانی خوب و فساد. در حکمرانی خوب، فساد در حداقل میزان خود است. حکمرانی خوب پاسخگوی نیازهای حال و آینده است (فاضلی و جلیلی کناری، ۱۳۹۱). رسیدن به حکمرانی خوب منوط به مبارزه با فساد، حاکمیت قانون، بهبود کارایی و پاسخگویی بخش دولتی است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۵). فساد گذشته از آنکه از نظر اخلاقی ناپسند است، به علت اینکه سبب بروز بسیاری از ناکارآمدی‌ها و دشواری‌ها برای تحول و توسعه اقتصادی می‌شود، به کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان تبدیل شده است (دقیقی اصلی و همکاران، ۱۳۹۱).

فساد، تعریف محدودتر حکمرانی بد است؛ یعنی سوءاستفاده از قدرت یا امکانات عمومی در جهت منافع خصوصی. محیط با حکمرانی بد، انگیزه و فرصت‌های بیشتری برای وقوع فساد فراهم می‌سازد (بانک جهانی، ۲۰۰۲). در مجموع الگوی حکمرانی خوب به تعریف نقش دولت، ویژگی‌های دولت اثربخش و تعامل آن با سایر بخش‌ها می‌پردازد و در این راستا نظامی را تعریف می‌کند که در کاهش فساد و بهبود سلامت اداری مؤثر است (دولتی و همکاران، ۱۳۹۲). در جدول ۱، خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در زمینه موضوع پژوهش

نتیجه	روش (تکنیک) پژوهش	مکان و بازه زمانی پژوهش	پژوهشگر (پژوهشگران) و سال
رقابت سیاسی بر فساد اثرگذار است؛ اما این تأثیر غیرخطی است. فساد در کشورهای دیکتاتوری نسبت به کشورهای دموکراتیک کمتر است. در کشورهایی که درآمد پایین است، فساد در میان کارمندان دولت فراگیرتر است.	--	۲۰۰۹	مونتینولا و جک من (۲۰۰۶)
میان فاسدترین کشورها، اندازه دولت و آزادی بیشتر اقتصادی تأثیری بر کاهش فساد ندارد؛ اما وجود دموکراسی بیشتر باعث کاهش فساد می‌شود.	رگرسیون کوانتایل	۹۹ کشور دنیا (۲۰۰۱-۲۰۰۳)	بیلگر و گونل (۲۰۰۹)
در هر دو نمونه، اندازه دولت علت گرنجوری فساد است.	علیت گرنجوری هوانگ (۱۹۹۷) در الگوی پانل دیتا	دو نمونه شامل کشورهای OECD و کشورهای آمریکای لاتین (۱۹۹۶-۲۰۰۳)	آرویت و همکاران (۲۰۰۹)
افزایش اندازه دولت می‌تواند در سطوح بالای دموکراسی، فساد را کاهش و در سطوح پایین دموکراسی، فساد را افزایش دهد.	گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)	۸۲ کشور منتخب (۱۹۹۵-۲۰۰۸)	کوترا و همکاران (۲۰۱۰)
از میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب فقط کنترل فساد و اثربخشی دولت و هزینه‌های آن باعث کاهش نوسانات رشد خواهد شد.	--	۲۰۱۰	اورنتال (۲۰۱۰)
افزایش اندازه دولت (مخارج عمومی کل) در سطح محلی باعث کاهش سطح فساد می‌شود.	حداقل مربعات دومرحله‌ای (Sls2)	۲۹۰ شهرداری کشور سوئد (۲۰۰۷)	برگ و همکاران (۲۰۱۳)
با افزایش مخارج کل و مخارج مصرفی دولت، به ترتیب سطح فساد کاهش و افزایش می‌یابد.	اثرات تصادفی (RE)	۱۷ کشور منطقه منا (۲۰۰۳-۲۰۱۰)	امیرزادی و خسروزاده (۲۰۱۵)
اندازه دولت اثر منفی بر شاخص‌های حکمرانی خوب دارد. رشد اندازه دولت اثر منفی و حکمرانی خوب اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد.	گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)	۵۰ کشور منتخب جهان (۲۰۱۳-۱۹۹۶)	محمدزاده و همکاران (۱۳۹۶)
جهت رابطه علیت بین فساد و اندازه دولت در کشورهای گروه D8 بسته به شرایط حاکم بر آن‌ها متفاوت بوده است.	علیت پانلی کونیا (۲۰۰۶)	کشورهای اسلامی و درحال توسعه (گروه D8) (۲۰۰۰-۲۰۱۳)	جعفری و گل خندان (۱۳۹۴)
اندازه دولت اثری بر فساد ندارد؛ درحالی‌که اثرگذاری فساد بر اندازه دولت تأیید شده است.	علیت گرنجوری هوانگ (۱۹۹۷) در الگوی پانل دیتا	۳۲ کشور اسلامی (۲۰۰۳-۲۰۰۸)	صادقی و سجودی (۱۳۹۰)
در پی افزایش شاخص فساد (کاهش سطح فساد)، مخارج دولتی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد.	اثرات ثابت (FE)	۳۱ کشور منتخب درحال توسعه (۲۰۰۰-۲۰۰۷)	کریمی پتالار و همکاران (۱۳۹۰)
گسترش اندازه دولت با پایین‌بودن سطح دموکراسی می‌تواند سطح فساد در منطقه را افزایش دهد.	اثرات ثابت (FE) و اثرات تصادفی (RE)	۱۶ کشور منتخب منطقه منا (۲۰۰۳-۲۰۰۱)	کریمی پتالار و همکاران (۱۳۹۱)

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و همبستگی (رگرسیون) است که در آن از روش‌های برآورد پویای پانلی، رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM، آزمون مانایی بربوش گادفری، آزمون عدم‌ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها بربوش پاگان، آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته جارجیو- برا و آزمون کارآمدی داده‌های پانلی در برآورد مدل‌ها F لیمر و هاسمن استفاده شده است.

داده‌هایی که هم دربرگیرنده عناصر سری‌های زمانی و هم مقطعی است، به‌عنوان پانلی از داده‌ها یا داده‌های طولی شناخته می‌شوند. داده‌های پانل حاوی اطلاعات بیشتر، تنوع گسترده‌تر و هم‌خطی کمتر میان متغیرها بوده و در نتیجه کارا تر هستند. روش‌های مختلفی برای برآورد داده‌های پانلی وجود دارد؛ اما بسیاری از پژوهشگران به بررسی پویایی‌های روابط اقتصادی علاقه‌مند هستند. یکی از روش‌های برآورد پویای پانلی، رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته GMM است. این تخمین‌زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد. سازگاری تخمین‌زننده GMM به معتربودن فرض عدم‌همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد.

معرفی و تصریح مدل. با توجه به محدودیت‌های موجود در استفاده از الگوهای سری زمانی، در دوره‌های زمانی کوتاه به‌دلیل محدودیت‌های آماری موجود، استفاده از روش داده‌های تابلویی برای تلفیق داده‌های مقاطع و گروه‌های مختلف در یک سری زمانی محدود، روشی مفید محسوب می‌شود. صورت کلی داده‌های تابلویی به شکل زیر است:

$$Y_{it} = \alpha + \beta_{it}X_{it} + U_{it}$$

که در آن Y_{it} متغیر وابسته و X_{it} برداری از k متغیر توضیحی است. U_{it} نیز جزء اخلاص است که به‌طور مستقیم در الگو وارد نشده‌اند. می‌توان $U_{it} = \mu_i + \lambda_i + \varepsilon_{it}$ را تعریف کرد که در آن ε_{it} جزء اخلاص دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ^2 است. μ_i نمایانگر تفاوت‌های موجود بین مقاطع است و ثابت یا تصادفی بودن توزیع آن به تعیین شکل الگو، به-ترتیب در قالب اثرات ثابت یا تصادفی، منجر می‌شود. λ_i نیز نشان‌دهنده وجود اثرات زمانی در الگو است که منطبق با آن دو حالت یک‌طرفه ($\lambda_i=0$) و دوطرفه ($\lambda_i \neq 0$) برای الگو تحقق می‌یابد. به‌طور کلی برآورد الگو با استفاده از داده‌های تابلویی شامل مراحل آزمون تشخیص پایایی (مانایی) روی داده‌ها، آزمون قابلیت تخمین مدل به‌صورت داده‌های تابلویی، آزمون تعیین اثرات یا اثرات تصادفی و برآورد پارامترها است (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

در این پژوهش برای بررسی نقش اندازه دولت بر عملکرد دولت یا همان حکمرانی خوب و همچنین تأثیر آن‌ها بر فساد، دو مدل مجزا بر اساس پژوهش‌های محمدزاده و همکاران (۱۳۹۶)، آرویت و همکاران (۲۰۰۹) و کوترا و همکاران (۲۰۱۰) در نظر گرفته شده است. در مدل نخست، برای برآورد تأثیر اندازه دولت بر فساد معادله زیر ارائه می‌شود:

مدل ۱:

$$Cpi_{it} = \beta_0 + \beta_1 Govs_{it} + \beta_2 GDPpc_{it} + \beta_3 INF_{it} + \beta_4 URB_{it} + U_{it}$$

جدول ۲. معرفی متغیرهای مدل ۱ و تعریف آنها

متغیرها	تعریف	منبع
CPI	شاخص CPI: شاخص درک یا تصور از فساد که بر فساد در بخش عمومی (دولت) متمرکز شده و شاخص ترکیبی بر مبنای داده‌هایی در ارتباط با فساد (پرداخت و دریافت رشوه، ارتکاب به اختلاس و جرایم مشابه از سوی مقامات سیاسی و اداری) است	سازمان شفافیت بین‌المللی
Govs	سهم مخارج مصرفی دولت به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص اندازه دولت.	بانک جهانی
Gdppc	شاخص ثبات سیاسی: نمایانگر درگیری‌های نظامی، آشوب‌های اجتماعی، تنش‌های قومی، تهدیدهای تروریستی و غیره است.	بانک جهانی
INF	نرخ تورم بر پایه شاخص تعدیل‌کننده است.	بانک جهانی
URB	رشد سالانه نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت.	بانک جهانی
U	جمله خطا است.	

در این مدل نرخ تورم و رشد سالانه جمعیت شهری به کل جمعیت به عنوان متغیرهای کنترل گنجانده شده است. برای بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر فساد نیز مدل ۲ در نظر گرفته می‌شود:

مدل ۲:

$$Cpi_{it} = \beta_0 + \beta_1 VAI_{it} + \beta_2 PSI_{it} + \beta_3 GEI_{it} + \beta_4 RQI_{it} + \beta_5 RLI_{it} + \beta_6 CCI_{it} + \beta_7 UP_{it} + \beta_8 EII_{it} + \beta_9 DEMO_{it} + U_{it}$$

جدول ۳. معرفی متغیرهای مدل ۲ و تعریف آن‌ها (Transparency International Organization, 2011; World Bank)

متغیرها	تعریف	منبع
CPi	شاخص CPI: شاخص درک یا تصور از فساد که بر فساد در بخش عمومی (دولت) متمرکز شده و شاخص ترکیبی بر مبنای داده‌هایی در ارتباط با فساد (پرداخت و دریافت رشوه، ارتکاب به اختلاس و جرایم مشابه از سوی مقامات سیاسی و اداری) است.	سازمان شفافیت بین‌المللی
VAI	شاخص شفافیت و پاسخگویی: نمایانگر آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، مطبوعات آزاد، عدالت سیستم قانونی و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
PSI	شاخص ثبات سیاسی: نشان‌دهنده درگیری‌های نظامی، آشوب‌های اجتماعی، تنش‌های قومی، تهدیدهای تروریستی و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
GEI	شاخص اثربخشی دولت: نمایانگر مقررات دست‌وپاگیر و بروکراسی، از بین بردن زیرساخت‌های سیاسی، دولتی و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
RQI	شاخص کیفیت قوانین و مقررات: نشان‌دهنده میزان مداخله دولت در اقتصاد، سیاست تجاری، محدودیت‌های سرمایه و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
RLI	شاخص حاکمیت قانون: نمایانگر تعهد به قراردادهای، حقوق مالکیت، دزدی و جنایت و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
CCI	شاخص کنترل فساد: نشان‌دهنده فساد میان بخش دولتی و خصوصی، میزان رشوه و غیره است.	بانک جهانی: Kaufman, 2009
UPi	نرخ شهرنشینی است.	بانک جهانی
EII	شاخص آزادی اقتصادی است.	مؤسسه بنیاد هریتیج
DEMO	شاخص دموکراسی است.	مؤسسه بنیاد هریتیج
U	جمله خطا است.	

در این مدل بر اساس پژوهش‌های محمدزاده و همکاران (۱۳۹۶)، آرویت و همکاران (۲۰۰۹) و کوترا و همکاران (۲۰۱۰)، نرخ شهرنشینی، آزادی اقتصادی و دموکراسی به‌عنوان متغیرهای کنترل گنجانده شده است.

متغیرها و توصیف داده‌ها. در مطالعه حاضر، به‌منظور بررسی رابطه علی بین اندازه دولت و حکمرانی خوب با فساد، بر اساس پژوهش‌های محمدزاده و همکاران (۱۳۹۶)، آرویت و همکاران (۲۰۰۹) و کوترا و همکاران (۲۰۱۰) متغیرهایی که در ادامه ذکر میشوند، به‌کار می‌روند: نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی (برحسب درصد) (GC/GDP^1) مقطع (کشور) i در سال t به‌عنوان شاخص اندازه دولت؛ منبع داده‌های این متغیر، پایگاه بانک جهانی (WDI^2) است.

1. Gross domestic product
2. World Development Indicators

شاخص کنترل فساد مقطع i در سال t به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری فساد. مقدار این شاخص بین دو عدد $-۲/۵$ و $+۲/۵$ قرار دارد و با نزدیک‌شدن به مقدار $+۲/۵$ ، میزان فساد کاهش و با نزدیک‌شدن به مقدار $-۲/۵$ ، میزان فساد افزایش می‌یابد.

شاخص حکمرانی خوب با شاخص‌های زیر سنجیده می‌شود: حق اظهارنظر و پاسخگویی، شاخص ثبات سیاسی، شاخص اثربخشی دولت، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، شاخص حاکمیت قانون، شاخص کنترل فساد بر اساس پایگاه شاخص‌های حاکمیت جهانی (WGI). در این پژوهش متغیر وابسته، شاخص ادراک فساد است که از سال ۱۹۹۶ هر ساله توسط «سازمان جهانی شفافیت» منتشر می‌شود.

روشن گردآوری داده‌ها. برای گردآوری داده‌های مربوط به شاخص فساد از اطلاعات کمی پایگاه جهانی سازمان شفافیت بین‌المللی، شاخص اندازه دولت از پایگاه بانک جهانی و شاخص حکمرانی خوب از پایگاه شاخص‌های حاکمیت جهانی استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی (گروه BRICS) و ایران است. «بریکس» نام گروهی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که از به‌هم‌پیوستن حروف نخست نام انگلیسی کشورهای عضو تشکیل شده است. در ابتدا این گروه «بریک» نام داشت؛ اما پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به «بریکس» تغییر نام یافت. هرچند اعضای گروه بریکس همگی به غیر از روسیه در رده کشورهای درحال توسعه یا اقتصادهای درحال ظهور هستند، اما عموماً به‌واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فراگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌شوند. بریکس نمایانگر نیمی از جمعیت جهان است و ۲۸ درصد قدرت اقتصادی دنیا را در اختیار دارد. در سال ۲۰۱۲ ترکیب‌بندی اسمی تولید ناخالص داخلی این گروه، ۱۳/۶ تریلیون دلار آمریکا بود. «هو جینتاو»^۱، رئیس‌جمهور چین معتقد است که گروه کشورهای عضو بریکس، حامی و ارتقادهنده وضعیت کشورهای درحال رشد و نیرویی برای حفظ صلح جهان هستند (ایسنا، ۱۳۹۶). دوره زمانی این پژوهش سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ است.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

قبل از برآزش مدل بر روی داده‌ها، پیش‌فرض‌های مدل بررسی می‌شود:

نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش. پیش از برآورد الگو باید مانایی تمام متغیرهای

1. Hu Jintao

مورد استفاده در تخمین‌ها آزمون شود؛ زیرا نامانایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در مورد داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. در این آزمون‌ها فرضیه صفر، مبتنی بر عدم مانایی و فرضیه مخالف مبتنی بر مانایی متغیرها است. مانایی متغیرهای پژوهش در گروه کشورهای در حال توسعه بررسی شده است. نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای توضیحی الگو با استفاده از آزمون لوین لین و چو در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول ۴. نتایج مانایی متغیرها

نتیجه	احتمال	آماره لوین لین و چو	نماد	متغیر
I(0)	۰/۰۰۳۲	-۲/۷۲۵۹۸	VAI	شاخص اظهار نظر
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۱۲۰۴	PSI	شاخص ثبات سیاسی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۷/۳۷۶۴	GEI	شاخص اثربخشی دولت
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۳۷/۰۸۲۵	RQI	شاخص کیفیت قوانین
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۹۵/۹۰۲۵	RLI	شاخص حاکمیت قانون
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۴/۶۸۲۶	GOV	اندازه دولت
I(0)	۰/۰۰۶۹	-۲/۴۶۰۵۸	GDP	تولید ناخالص داخلی سرانه
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۲۷/۰۰۰۷	INF	تورم
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۷۲/۰۰۸۳	RPOPG	رشد جمعیت شهری
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۳۲/۰۱۱۳	RPOP	نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۵/۱۳۹۶۴	DEMOC	شاخص دموکراسی
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۲۲/۵۲۰۱	FREE	شاخص آزادی اقتصادی

نتایج حاکی از آن است که همه متغیرهای پژوهش، مانا هستند.

آزمون عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها. در پژوهش حاضر از آزمون بربوش گادفری برای تشخیص وجود و یا نبود خودهمبستگی استفاده شده است. با توجه به احتمال بالای ۵ درصد آزمون نشان دهنده نبود خودهمبستگی در الگوها است.

آزمون عدم ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها. یکی از فرضیه‌های اساسی یک مدل رگرسیونی مناسب، فرض همگونی (همسانی) واریانس باقیمانده‌ها است. برای بررسی این فرض در پژوهش حاضر از آزمون بربوش پاگان استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌ها است که اگر مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود. با توجه

به جدول ۵ و اینکه مقدار احتمال به‌دست‌آمده برای آزمون از سطح معناداری ۰/۰۵ بیشتر است، فرض صفر (وجود همسانی واریانس) پذیرفته می‌شود که نشان می‌دهد مشکل ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها وجود ندارد. نتایج آزمون عدم‌ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها در جدول ۵، آمده است.

جدول ۵. آزمون خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها

نام مدل	آماره خود همبستگی	سطح معناداری	نتیجه	آماره ناهمسانی واریانس	سطح معناداری	نتیجه
مدل پژوهش	۱/۴۸	۰/۶۷	خودهمبستگی ندارد.	۱/۰۷	۰/۳۷	ناهمسانی ندارد.

آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته. از آنجاکه در این پژوهش به‌منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده و این روش بر این فرض استوار است که متغیرهای وابسته پژوهش دارای توزیع نرمال هستند، توزیع غیرنرمال آن‌ها به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها منجر می‌شود؛ بنابراین لازم است نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته پژوهش موردآزمون قرار گیرد. در پژوهش حاضر این موضوع از طریق آماره جارکیو- برا بررسی می‌شود. اگر احتمال آماره کمتر از ۵ درصد باشد ($Prob < .05$)، فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مربوطه رد می‌شود. فرضیه‌های آماری مربوط به این آزمون به‌صورت زیر است:

H_0 : توزیع داده‌ها نرمال است.

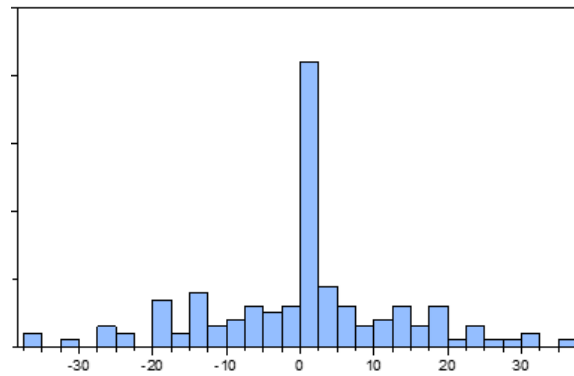
H_1 : توزیع داده‌ها نرمال نیست.

نتایج آزمون آماری بالا در جدول ۶ آمده است. با توجه به اینکه احتمال آماره جارکیو - برا برای متغیر وابسته بیشتر از ۵ درصد است (۰/۵۸)، فرضیه H_0 رد نشده و فرضیه H_1 در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود؛ به بیان دیگر نتایج حاصل از آزمون جارکیو- برا نشان می‌دهد که متغیر وابسته دارای توزیع نرمال است.

جدول ۶. نتایج آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته پژوهش

متغیر	آماره جارکیو - برا	سطح اهمیت
متغیر کنترل فساد	۱/۰۸۰۳	۰/۵۸۲۶

نمودار توزیع نرمال متغیر به‌صورت زیر است:



نمودار ۱. بررسی نرمال بودن توزیع متغیر کنترل فساد

برای مشخص کردن اینکه آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل ۱، کارآمد خواهد بود یا خیر؟ از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه H_0 نشان‌دهنده یکسان بودن عرض از مبدأها است و در صورت رد آن، استفاده از روش داده‌های پانل پذیرفته می‌شود و می‌توان از روش داده‌های پانل استفاده کرد؛ در غیر این صورت می‌توان از روش داده‌های ترکیبی بهره گرفت. فرضیه‌های آماری مربوط به آزمون F لیمر به صورت زیر است:

H_0 : روش رگرسیون، ترکیبی است.

H_1 : روش رگرسیون، پانل است.

نتایج آزمون F لیمر در جدول ۷، ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون چاو برای مدل رگرسیونی

نتیجه	سطح معناداری	آماره F
روش رگرسیون، پانل	۰/۰۳	۱۱/۷۸

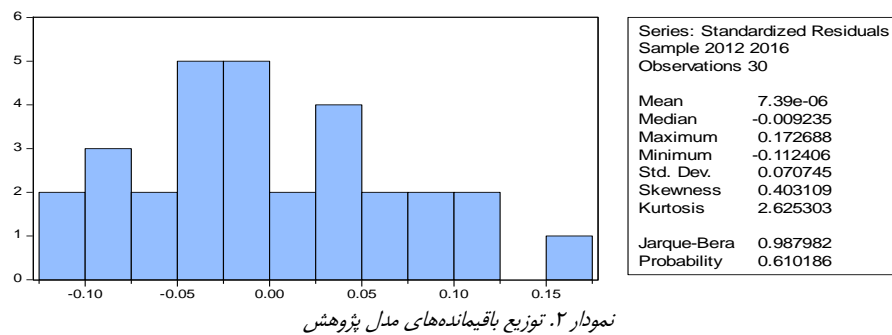
با توجه به نتایج آزمون و P-Value آن (۰/۰۳)، فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و لازم است مدل با استفاده از روش داده‌های پانل برآورد شود. با توجه به نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن مدل بالا با استفاده از روش داده‌های پانل به‌وسیله روش GMM برآورد می‌شود که نتایج آن در جدول ۸، ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل پژوهش

متغیر وابسته: شاخص کنترل فساد Cr				
تعداد مشاهدات: ۳۰ سال - کشورهای عضو بریکس و ایران				
متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t
عرض از مبدأ	C	-۰/۲۳۵۷۲۳	۰/۹۰۳۶۳۵	-۰/۲۶۰۸۶۱
شاخص اظهارنظر	VAI	۰/۸۷۶۳۷۰	۰/۳۹۴۸۸۸	۲/۲۱۹۲۸۷
شاخص ثبات سیاسی	PSI	۰/۶۵۴۲۱۹	۰/۲۵۸۳۵۶	۲/۵۳۲۲۴۱
شاخص اثربخشی دولت	GEI	۰/۰۱۴۴۱۱	۰/۰۰۴۲۶۲	۳/۳۸۱۱۷۱
شاخص کیفیت قوانین	RQI	۲/۳۶۵۷۶۵	۱/۰۶۱۱۱۵	۲/۲۲۹۵۰۹
شاخص حاکمیت قانون	RLI	۰/۰۶۵۷۵۳	۰/۰۱۶۹۴۸	۳/۸۷۹۷۵۴
اندازه دولت	GOV	-۰/۰۴۱۸۸۰	۰/۰۲۰۰۹۶	-۲/۰۸۳۹۸۶
تولید ناخالص داخلی سرانه	GDP	۰/۰۷۸۶۴۲	۰/۰۳۷۳۹۸	۲/۱۰۲۸۶۵
تورم	INF	-۰/۰۵۳۱۷۲	۰/۰۱۴۷۱۷	-۳/۶۱۳۹۳۸
نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت	UP	۰/۰۹۸۶۴۳	۰/۰۳۰۰۳۴	۳/۲۸۴۴۲۹
شاخص دموکراسی	DEMOC	۰/۶۷۸۵۳۸	۰/۳۴۵۶۶۹	۱/۹۶۲۹۶۸
شاخص آزادی اقتصادی	EII	۰/۲۱۹۷۵۴	۰/۱۱۰۹۶۷	۱/۹۸۰۳۵۸
ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰/۹۲				
آماره J مدل	۳۴/۶۷	آماره Jarque - Bera	۰/۹۸	
(P-Value)	(۰/۰۰۱)	(P-Value)	(۰/۶۱)	
آماره دوربین - واتسن				
			۱/۸۴	

در بررسی معنادار بودن مدل با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره J از ۰/۰۵ کمتر است (۰/۰۰۱) با اطمینان ۹۲ درصد معنادار بودن کل مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۹۲ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی مفروضات آماری مربوط به مدل، نتایج آزمون جارکیو - برا حاکمی از این است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای توزیع نرمال است؛ به طوری که احتمال مربوط به این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است. بر اساس یافته‌های جدول ۸، تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب اثر مثبت و معناداری بر شاخص کنترل فساد دارند؛ به عبارت دیگر بهبود شاخص‌های اظهارنظر، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و شاخص حاکمیت قانون به کاهش فساد در کشورهای عضو بریکس و ایران منجر خواهد شد. در این مطالعه از داده‌ها و روش پانل استفاده شده و ضرایب برای تمامی کشورهای منتخب به صورت متوسط قابل استناد است. در این میان بیشترین تأثیر را شاخص کیفیت قوانین با ضریب

۲/۴ و کمترین تأثیر را شاخص اثربخشی دولت با ضریب ۰/۰۱ بر کاهش فساد داشته است. افزایش اندازه دولت نیز به افزایش فساد منجر خواهد شد؛ به عبارت دیگر از مضرات افزایش هزینه‌ها و اندازه دولت افزایش فساد در کشورهای عضو بریکس است. افزایش اندازه دولت بدون توجه به بهبود و یا عملیاتی کردن وضعیت دموکراسی، صرفاً به افزایش فساد دامن خواهد زد. بر اساس نتایج جدول ۸، افزایش تورم نیز از عوامل تشدیدکننده فساد است. افزایش آزادی‌های اقتصادی و شاخص دموکراسی نیز از عوامل کاهشنده فساد در این کشورها شناخته شد. افزایش سطح دموکراسی از طریق مشارکت مردم در انتخاب دولت، مجلس و همچنین برخورداری از رسته‌های آزاد می‌تواند به عنوان سازوکاری مؤثر در جهت مقابله با معضل فساد مورد استفاده قرار گیرد؛ همچنین با افزایش شهرنشینی نیز نوعی پرسشگری شکل می‌گیرد که باعث افزایش نظارت می‌شود و در نهایت می‌تواند به عنوان عامل کاهشنده فساد عمل کند.



در ارتباط با آزمون استقلال باقیمانده‌ها نیز مقدار آماره دوربین - واتسن بین عدد ۱/۵ و ۲/۵ است؛ از این رو استقلال باقیمانده‌ها پذیرفته می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هرچند فساد یکی از نشانه‌های کلیدی ضعف بنیادین نهادی است، اما حکمرانی باید در بستری گسترده‌تر از مبارزه با فساد فهمیده شود. حکمرانی و فساد باید به دقت و به گونه‌ای تحلیلی و تجربی فهمیده شوند. حکمرانی بد، سیاست‌گذاری و تخصیص عوامل تولید را مختل می‌کند و این امر نیز به نوبه خود باعث کندی رشد درآمد و رفاه و افزایش فقر می‌شود. بسیاری از رویکردهای ظرفیت‌سازی گذشته به این دلیل شکست خورده‌اند که به عواملی از قبیل تقویت حکمرانی خوب، کنترل فساد، به‌کرد نظام اداری و خدمات مدنی، ترویج آزادی‌های مدنی و رویکرد مشارکتی، درک منشأ و پیامدهای تصرف دولت و گسترش دانش مربوط به اقتصاد

سیاسی نهادسازی به‌اندازه کافی توجه نکرده‌اند. از آنجاکه دخالت دولت در اقتصاد به‌منظور تقویت سازوکار بازار برای کشورهای درحال توسعه ضروری است، این دخالت باعث افزایش اندازه دولت می‌شود. افزایش اندازه دولت نیز به افزایش فساد منجر خواهد شد؛ به‌عبارت‌دیگر در کشورهای عضو بریکس، افزایش فساد از مضرات افزایش هزینه‌ها و اندازه دولت، است. افزایش اندازه دولت بدون توجه به بهبود و یا عملیاتی کردن وضعیت دموکراسی، صرفاً به افزایش فساد دامن خواهد زد. در این مطالعه تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران بررسی شد.

نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های حکمرانی خوب اثر مثبت و معناداری بر شاخص کنترل فساد دارد؛ به‌عبارت‌دیگر بهبود شاخص‌های اظهارنظر، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و شاخص حاکمیت قانون به کاهش فساد در کشورهای عضو بریکس منجر خواهد شد. در این میان بیشترین تأثیر را شاخص کیفیت قوانین با ضریب $2/4$ و کمترین تأثیر را شاخص اثربخشی دولت با ضریب $0/01$ بر کاهش فساد داشته است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که افزایش اندازه دولت به افزایش فساد منجر خواهد شد؛ افزایش آزادی‌های اقتصادی و شاخص دموکراسی نیز از عوامل کاهنده فساد در این کشورها شناخته شدند. با افزایش شهرنشینی نیز نوعی پرسشگری شکل می‌گیرد که باعث افزایش نظارت می‌شود و درنهایت به‌عنوان کاهنده فساد عمل می‌کند. از طرفی افزایش تورم در این کشورها، عامل تشدیدکننده فساد است. این نتایج منطبق بر مطالعات دقیقی اصل و همکاران (۱۳۹۱)، فاضلی و جلیلی کناری (۱۳۹۱)، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۶)، کان و کیم (۲۰۱۴) و فوکویاما (۲۰۱۶) است؛ بنابراین به تمامی کشورهای منتخب پیشنهاد می‌شود که ضمن توجه و تأکید بیشتر بر خصوصی‌سازی و کاهش انحصارات دولتی، با گسترش دموکراسی و به‌خصوص آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، راه را برای هرگونه ارتشا و اختلاس کم کرده و سیستم نظارت و پاسخگویی را تقویت کنند؛ همچنین دستگاه سیاسی باید سیاست‌های مبتنی بر کنترل نقدپسنگی و تورم را برای کاهش فساد اتخاذ کنند.

منابع

۱. آتشک، محمد (۱۳۹۰). مفهوم فساد اداری در نظام آموزشی کشور. *فصلنامه اخلاق در علوم و فن‌آوری*، ۳، ۴۷-۳۳.
۲. آقایی، مجید؛ قنبری، علی؛ عاقلی، لطفعلی و صادقی، حسین (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در استان‌های ایران با استفاده از مدل هم‌انباشتگی و تصحیح خطای پانل چند متغیره. *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*، ۹، ۱۸۴-۱۸۵.
۳. ایمانی جاجرمی، حسین؛ صدیق سروستانی، رحمت اله و فیروزآبادی، احمد (۱۳۸۶). تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۳۴-۹.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). اندازه دولت در اقتصاد ایران. اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۶۱-۱.
۵. حبیبی، نادر (۱۳۷۵). *فساد اداری عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه با فساد*. چاپ اول، مؤسسه فرهنگی انتشارات وثقی، ۱۶۰-۱.
۶. خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۳۹۶). تأثیر سیاست موازنه مثبت ایران در اجلاس شانگهای و بریکس، قابل دسترس در آدرس: <https://www.isna.ir/news>
۷. دقیقی اصلی؛ علی‌رضا، گرابی‌نژاد، غلامرضا و آقابگیان، سلیمان (۱۳۹۱). اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی متوسط. *فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه*، ۲۶(۴)، ۳-۲۳.
۸. دولتی، علی؛ درویشی، فرزاد و لطفی، عزت‌اله (۱۳۹۲). حکمرانی خوب و کنترل فساد در ایران و سایر کشورها. *فصلنامه دانش انتظامی ایلام*، ۲(۷)، ۴۷-۶۸.
۹. رحمانی، میترا؛ عسگری، منصور و عابدین، محمدرضا (۱۳۸۵). دست‌آوردهای تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا. *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، ۳۸، ۲۱۸-۲۳۶.
۱۰. سامتی، رنجبر و محسنی (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه انسانی (مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا). *فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱، شماره ۴، ۱۸۳-۲۲۳.
۱۱. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸). اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب. *نشریه سیاسی - اقتصادی*، سال ۲۳، شماره ۲۵۹ و ۲۶۰، ۱۳۲-۱۴۵.
۱۲. سعیدی، رضا؛ سعیدی، خلیل و دهقانی، علی (۱۳۹۳). امکان‌سنجی ایجاد موافقت‌نامه تجاری تجارت ترجیحی ایران با کشورهای بریکس. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، ۱۰۷-۱۳۰.
۱۳. شریف زاده، فتاح؛ و قلی پور، رحمت‌اله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. *مجله فرهنگ مدیریت*، سال اول، شماره ۴، پاییز و زمستان، ۹۳-۱۰۹.
۱۴. صادقی، سیدکمال و سجودی، سکینه (۱۳۹۰). وابستگی فساد و اندازه دولت در کشورهای منتخب اسلامی. *مجله سیاسی اقتصادی*، ۲۸۵، ۱۹۴-۲۰۲.

۱۵. فاضلی، محمد و جلیلی کناری، محدثه (۱۳۹۱). تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره پنجم، ۷-۴۰.
۱۶. فرهادی‌نژاد، محسن (۱۳۸۸). فساد اداری و شیوه‌های کنترل آن. دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی، ۳۰۳-۲۸۴.
۱۷. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۳). تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت. نشریه دانش مدیریت، شماره ۶۷، ۸۶-۱۱۱.
۱۸. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۴). تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره دهم، ۱۰۳-۱۲۷.
۱۹. متفکر آزاد، محمدعلی؛ اسدزاده، احمد و گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی. دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال دوم، بهار و تابستان، ۱۲۵-۱۴۴.
۲۰. معینی فرد، مژگان؛ و کریم نیا، الهام (۱۳۹۴). بررسی اثر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه-استانبول، شرکت مدیران ایده پردازان پایتخت ایلینا.
https://www.civilica.com/Paper-ICMEH01-ICMEH01_239.html
۲۱. منصور نژاد، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی تأثیر فساد اداری بر امنیت اجتماعی. مجله توسعه مدیریت، اردیبهشت و خرداد، شماره ۶۴، ۱۷-۷.
۲۲. میدری، احمد (۱۳۸۳). تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب. فصلنامه مفید، دوره ۱۰، شماره ۴۲ (اقتصاد)، خرداد و تیر، ۱۱۸-۹۳.
۲۳. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۷۲۷-۱.
۲۴. هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. نشریه حقوق اساسی، سال سوم، ۴، ۸۶-۱۵.
25. Abdellatif A.M. Good governance and its Relationship to Democracy and Economic Development. Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul 2003; 20-31.
26. Alesina Alberto and Angeletos George-Marios (2005). Corruption, inequality And fairness. *NBER Working Paper, No. 11399, 1227-1244.*
27. Barro, R.(1991). Economic growth in a cross-section of countries. *Quarterly Journal of Economics* , 106(2), 43-407.
28. Barro, R., & Sala-i-Martin, X. (1995). *Economic Growth*. MIT Press
29. Dutta, N. & Sobel, R. (2016). Does corruption ever help entrepreneurship? *Small Bus. Econ.* 47(1), 179-199.
30. Elliott, K.A. (1997). Corruption as an international policy problem: overview and recommendations. *Institute of International Economics (U.S.)*, 175-181.
31. Fukuyama, F. (2016). Governance: What do we know, and how do we know it? *Annual Review of Political Science*, 19, 89-105.

32. Haque, M.E., and Kneller R. (2008). Public investment and growth: the role of corruption. Centre for Growth and Business Cycle Research Discussion Paper Series 98, Economics, Univeristy of Manchester, 1-20.
33. Hosseinzadeh Bahreni, M. H. (2004). The effective Factors in Investment security in Iran, Jostarhaie eghtesadi(Economic Quests). *Biannual journal, Hozeh & University Research Center, 1(2)*, 109-156 (in Persian).
34. IMF. (2005). The IMF's Approach to Promoting Good Governance and Combating Corruption: A Guide. Available at: [www. imf. org/external/np/gov/guide/eng/index](http://www.imf.org/external/np/gov/guide/eng/index).
35. Kigongo-bukenya, I. M. N. akd kaddu, S. (2010). Enhancing democracy and good governance: A curriculum proposal for information and knowledge management professionals in the SCECSAL region. *Library review, 60(5)*, 362-369.
36. Kaufman, D., Aart, K., & Massimo, M. (2009). Governance matters VIII: Governance indicators for 1996-2008. The Policy Research, Working Paper, No. 9978. World Bank.
37. Kaufman, D. Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues. Working paper No. 5430. Washington, DC: *The World Bank*.
38. Kühn S. Sherman L. B. (2014). Transparency International. Handook: Curbing corruption in public procurement. A practical guide;. [Http://www. transparency.org/whatwedo/publication/curbing _ corruption _ in _ public _ procurement _ a _ practical _ guide](http://www.transparency.org/whatwedo/publication/curbing_corruption_in_public_procurement_a_practical_guide), 1-32.
39. Kwon, H. & Kim, E. (2014). Poverty reduction and good governance: Examining the rationale of the Millennium Development Goals. *Development and Change, 45(2)*, 353-375.
40. Lederman, Daniel (2004). Accountability and Corruption: Political Institutions Matter. *World Bank, ECONOMICS & POLITICS, Volume 17*, March, No. 1, 1-35.
41. Mashali, Behzad. (2012). Analyzing the relationship between perceived grand corruption and petty corruption in developing countries: case study of Iran. *International Review of Administrative Sciences. 775-787*.
42. Méndez, F. Sepúlveda, F. (2006). Corruption, growth and political regimes: cross country evidence. *Eur. J. Polit. Econ. 22(1)*, 82-98.
43. Montinola, G., & Jackman, R. W. (2002). Sources of corruption: a cross country study. *British Journal of Political Science, 32*, 147-170.
44. Morris, Stephen and Klesner Joseph. (2010). Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence From Mexico. *Comparative Political Studies, 43 (10)*, 1258-1285.
45. Pellegrini, Lorenzo & Gerlagh, Reyer. (2008). Causes of Corruption: A Survey of Crosscountry Analyses and Extended Results. *Econ Gov. 9*, 245-263.
46. Tanzi, V. (1998). Corruption Around World: Causes, Consequences, Scope and Cures. *IMF Working Paper, 45(4)*, 559-594.
47. Tanzi, V., & Davoodi, H. (1997). Corruption public investment and growth. *IMF Working Paper, No 97/139*, Washington D.C. 1-23.
48. UNDP. (2008). A Users' Guide to Measuring Corruption, available at www.undp.org/oslocentreoslo.governance.centre@undp.org.
49. World Bank (2002). *World development report: Building institutions for Markets*. UK: Oxford University Press. p. 303.
50. World Bank, 2016. World Development Indicators. The World Bank.